

## بازتاب کارهای ناشایست در تأیید قانون عمل و عکس العمل

پریچه ساروی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

### چکیده:

فرضیه عمل و عکس العمل که بیانگر رابطه ثابت میان اعمال و پی آمد آنها در زندگی است، برای تبدیل شدن به قانونی قرآنی، از یک طرف مستلزم استقصای کلیه اعمال شایسته و ناشایست و پی آمدهای فردی و اجتماعی است و از طرف دیگر محتاج توضیح روابط ثابت میان آنهاست؛ ضمن اینکه کاربرد آن، آیات قرآن را به دو دسته «مستقیم» یعنی آیاتی که به صورت صریح و روشن بر آن دلالت دارند و «غیر مستقیم» یعنی آیاتی که به صورت موضوعی آن را تأیید می‌کنند، سازمان می‌بخشد. در این مقاله بازتاب برخی از اعمال ناشایست در دسته اول آیات و نیز بازتاب این اعمال در دسته دوم آیات بررسی شده است.

**کلید واژه‌ها:** عمل، قانون، بازتاب، قرآن، فرد، شایسته، ناشایست، اجتماع.

### مقدمه

از آنجا که دستیابی به قوانین قرآنی - اعم از آنهایی که رابطه علیت را بیان می‌کنند یا نمی‌کنند<sup>۱</sup> - به دلیل برقراری ارتباط میان موضوعات علوم قرآنی با یکدیگر برای قرآن پژوهان بسیار مهم است؛ از این رو بررسی یکی از مهمترین آنها یعنی قانون و رابطه ثابت

---

۱. ذهن بیشتر از قوانینی خرسند می‌شود که بین یک واقعه مقدم یعنی علت و واقعه تالی یعنی معلول، رابطه ثابتی را برقرار سازد (شاله، ۲۶).

بین اعمال<sup>۱</sup> و پی‌آمد آنها<sup>۲</sup> در زندگانی<sup>۳</sup> امری ضروری است. پژوهش در این زمینه محتاج نگرش سراسری در قرآن و نیازمند تأمین موارد ذیل است: الف - عرضه آماری جامع و درست از اعمال قرآنی، ب - توضیح روابط ثابت میان اعمال و بازتاب آنها، ج - تبیین تأثیر آگاهی از پی‌آمد اعمال در فرد و جامعه.

گرچه نتیجه مورد اول دستیابی به ۱۰۸۶ عنوان عمل و عکس‌العمل در قرآن است که با ادغام موارد مشابه می‌توان به ۲۰۰ عنوان متمایز دست یافت،<sup>۴</sup> اما تأمین مورد دوم<sup>۵</sup> محتاج تأمل بیشتری است؛ زیرا باید به استقرای تام دست زد و کلیه اعمال و پی‌آمدها را جداگانه بررسی کرد تا در پرتو آن بتوان قانون و حکمی کلی صادر نمود. از این رو برای برقراری نظم منطقی در این مقاله ابتدا باید اعمال را به دو دسته شایسته و ناشایسته تقسیم کرد و سپس از عناوین فردی اجتماعی برای پی‌آمدها سود برده، در نهایت دو دسته ذیل از آیات را از هم مجزا نمود: اول: آیاتی که به صورت صریح و روشن به اصل مذکور اذعان نموده، صحت این نظریه را تأیید می‌کنند. دوم: آیاتی که به صورت

۱. عمل همان کار، کردار، صنع (راغب، ۲۸۶)، فعل، تأثیر تدریجی و نیز متقابل در یکدیگر (شعبانی، ۱۳)، تجربه، رفتار بالفعل، عملکرد و... است (و نیز برای اطلاع بیشتر نک: مطهری، ۴۱۵؛ راغب، ۲۸۶، ۳۸۲؛ شاله، ۳۰؛ شعبانی، ۱۴).

۲. پی‌آمد و بازتاب عمل، همان نتیجه، انعکاس، واکنش، اثر عمل و عکس‌العمل است که در اینجا بیشتر متوجه نتایج قهری و طبیعی و خود به خودی است نه لوازم.

۳. این عبارت بیانگر این نکته است که مقصود از پی‌آمد و بازتاب اعمال، عکس‌العمل‌های این جهانی و دنیوی است نه اخروی.

۴. این عناوین را به صورتهای خرد و مجزا و با توجه به اعمال شایسته و ناشایسته، ذیل ۷۸ عنوان عمل صالح و ۱۲۲ عنوان عمل ناشایسته می‌توان دید.

۵. این مقدمه اهمیت زیادی دارد زیرا در این قسمت است که تجربه شخصی ما و دیگران با سخن الهی هماهنگ شده، مراحل گذر از این فرضیه را به قانون مهیا می‌سازد. به عبارت دیگر ذهن با اتکاء به آیات قرآنی و با مطالعه و تفحص در جزئیات اعمال و افعال فردی و اجتماعی موجود در آن و پی‌آمد آنها، قانونی کلی را استنباط کرده، با استنطاق از آن به رابطه ثابت بین اعمال و پی‌آمد آنها دست می‌یابد و با استدلالی استقرایی آن را مبرهن می‌سازد.

موضوعی صحت اصل مذکور را به اثبات می‌رسانند.<sup>۱</sup>

## ۱- بررسی پی‌آمد اعمال در دسته اول آیات

۱-۱- بررسی پی‌آمد اعمال ناشایست در دسته اول آیات

۱-۱-۱- بررسی پی‌آمد فردی اعمال ناشایست در دسته اول آیات

توضیح چند نکته ضروری:

۱- در اصل طرح ۱۲۲ عنوان برای اعمال ناشایست و پی‌آمد آنها مورد بررسی قرار

گرفته که در این مقاله، فقط به چند عنوان اشاره می‌شود.

۲- در هر مورد ابتدا به ذکر عمل و بعد از علامت «←» به ذکر عکس العمل یا عکس

العملها پرداخته می‌شود.

۳- منظور از عکس العمل چیزی است از قبیل پی‌آمدها، نتایج، آثار و عوارضی که

پس از عمل رخ می‌دهد و قاعدتاً با آن نیز رابطه مستقیمی دارد؛ هر چند که درک مستقیم

یا غیر مستقیم بودن این رابطه، مطلق و یکسان نبوده، برای افراد گوناگون، نسبی و

متفاوت است.

۴- گرچه در فرضیه ابتدایی به نظر می‌رسید که در برابر هر عمل، باید یک عکس

العمل مشخص و متمایز وجود داشته باشد اما در عمل برای بعضی از اعمال، گاه به چند

عکس العمل اشاره شده که البته خود حاصل ادغام موارد قابل ترکیب است و گرنه به

طور معمول عکس العمل‌های بدست آمده بیشتر از موارد مذکور است.

۵- چنانکه ذکر شد در اصل طرح، به تمامی عکس العمل‌ها و کلیه جزئیات در مورد

هر دو طرف اشاره شده و نتایج حاصله مبتنی بر استقرای تام است؛ اما در این مقاله به

دلیل پرهیز از اطناب، به ذکر منتخبی از آنها بسنده شده است.

---

۱. بدین ترتیب با در نظر گرفتن عناصر نام برده در ادامه مقاله با این عناوین سر و کار داریم: الف - بررسی

پی‌آمد اعمال در دسته اول آیات. ب - بررسی پی‌آمد اعمال در دسته دوم. ۱- الف - بررسی پی‌آمد اعمال

ناشایست؛ ۲- الف - بررسی پی‌آمد اعمال شایسته؛ ۱-۱- الف - بررسی پی‌آمد فردی اعمال ناشایست؛

۱-۲- الف - بررسی پی‌آمد اجتماعی اعمال ناشایست در دسته اول. در این نوشتار، پی‌آمدهای فردی و

اجتماعی اعمال ناشایست و شایسته در دسته اول و دوم آیات مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۶- تبیین چگونگی این پیوند و پی آمد آفرینی و تعلیل عنصری قانون به دلیل گستردگی مبحث و عدم تصریح قرآنی و لزوم استنباط شخصی که در نهایت خود محل نزاع و مناقشه خواهد بود، در این مقاله میسر نیست؛ هر چند در موارد لازم به طور مختصر بدان اشاره شده است.

### ۱- بهانه جویی ← قساوت قلب و زوال نعمت

بهانه جویی یعنی توسل به ایرادهای بی جا و عیب‌گیریهای سطحی نگرانه برای طفره رفتن از انجام حکم یا به تأخیر انداختن انجام آن.

قوم بنی اسرائیل از مصادیق بارز بهانه جویان هستند که به دو مورد از ایرادگیری‌های ایشان و پی آمد آنها اشاره می‌شود:

#### الف - بهانه جویی در کشتن گاو

در پی قتل فردی از بنی اسرائیل (بقره / ۷۳) و اختلاف نظر در مورد قاتل، راه حل موسی (ع) آن است که گاوی ذبح شود تا با زدن قسمتی از آن به بدن میت، زنده شده، قاتل خود را معرفی کند (فیض، ۱/۱۰۲). بنی اسرائیل ابتدا با تمسخر به این حکم الهی نگریسته، سپس با سؤالی در مورد رنگ، سن و ویژگیهای جسمانی گاو، به بهانه جویی پرداختند و این در حالی بود که می‌دانستند موسی (ع) شخصیتی عالم و پیامبری حکیم است؛ این بهانه جویی‌ها در نهایت به ضرر آنها تمام شد زیرا مجبور شدند گاو را با قیمتی گران خریداری کنند.

خداوند درباره این بهانه جویی‌ها می‌فرماید: «و نزدیک بود در انجام این کار نیز نافرمانی کنند و آن را انجام ندهند» (بقره / ۷۱) که نشان می‌دهد هدف آنها طفره رفتن از انجام حکم بوده است.

پی آمد این بهانه جویی، قساوت قلب و سنگدلی (بقره / ۷۵) بنی اسرائیل شد (برای اطلاع بیشتر نک: طبرسی، ۱، ۲۸۰-۲۷۹؛ طباطبایی، ۱/۲۰۲؛ شاه عبدالعظیمی، ۱/۱۷۵؛ عاملی، ۱۰۶؛ قرشی، ۱/۱۵۶؛ طیب، ۲/۶۰؛ استرآبادی، ۷۶).

#### ب - بهانه جویی نسبت به طعام موجود

تا مدتها بنی اسرائیل به عنوان غذا از «من و سلوی» (ترنجبین و بلدرچین نک: فیض، ۱/۶۵) استفاده می‌کردند ولی این وضعیت ادامه نیافت و آنها غذای بهتری را که داشتند،

فرو گذاشته (بقره / ۶۱)، طعامهایی از قبیل خیار، سیر، گندم، عدس و ... با کیفیت پائین تر درخواست کردند. این درخواست موجب از دست رفتن نعمتها شد و آنان مجبور شدند برای وصول به آن نعمتها وارد یکی از شهرها شده، علاوه بر اظهار عجز و فقر، جزیه نیز پردازند (برای اطلاع بیشتر نک: فیض ۱/۶۶؛ ابن ابی الحدید، ۲۰/۱۸۷؛ حلی، ۳۳؛ جزایری، ۳۵، ۲۶۱، ۲۶۳).

## ۲- استهزاء ← سرگردانی و تحیر

استهزاء یعنی مسخره کردن، دست انداختن و طعنه زدن (راغب، ۵۴۳) و یکی از پی آمدهای آن، سرگردانی و حیرت است (بقره / ۱۵؛ فیض، ۱/۶۳). مصداق بارز این عمل زشت، عملکرد منافقین است که با اظهار ایمان دروغین، مؤمنان را به تمسخر گرفته، دست می اندازند (بقره / ۱۴) از این رو، در برابر چنین عمل زشتی، خداوند نیز به تمسخر متقابل آنان می پردازد و برای درک هر چه بهتر آن از دو مثل (طباطبایی، ۱/۵۶) و تصویر ذیل استفاده می کند: الف - شخصی که در شبی تاریک پس از کوشش فراوان آتشی افروخته تا اطرافش را ببیند؛ اما این روشنایی دیرپا نیست و هنوز آتش جانی نگرفته و روشنایی نداده، خاموش می گردد و دوباره تاریکی همه جا را فرا می گیرد و این بر ناراحتی اش می افزاید (بقره / ۱۸) ب - شخصی که در شبی تاریک و ظلمانی زیر بارانی شدید و سیل آسا و رعد و برقی هول انگیز به نحوی گرفتار شده که از ترس انگشتها را در گوشه‌هایش فرو می کند تا صداها را نشنود؛ در چنین وضعیت ناهنجاری در روشنایی حاصل از برق آسمانی، تنها برای لحظاتی اطراف را دیده، به دنبال سر پناه و تشخیص راه از چاه بر می خیزد؛ اما احاطه مجدد تاریکی، جز سرگردانی و تحیر چیزی بر او نمی افزاید (بقره / ۲۰). در هر دو تصویر، شخص مورد نظر گرچه برای لحظاتی اندک به دلیل وجود آتش خودافروخته و برق آسمانی می تواند راه را از چاه باز شناسد، اما عدم تداوم این حالت و خاموش شدن آنها بر ناراحتی اش افزوده، موجب می شود در نهایت کورکورانه، حیران و سرگردان این طرف و آن طرف رفته، از راه بازماند. منافقی که به تمسخر مؤمنین می پردازد نیز در عالم معنا به چنین وضعیتی دچار است. او به دلیل



زندگی و حشر و نشر با مسلمانان از طریق اندیشه و تفکر بشری به نتایجی دربارهٔ دین رسیده، برای لحظاتی راه را از چاه و حق را از باطل تشخیص می‌دهد؛ اما چون در حقیقت نور ایمان در قلبش روشن نشده، در نهایت از وصول به جادهٔ حقیقت بازمانده، به خاطر تمسخر مؤمنین در حیرت و سرگردانی غرق و گم می‌شود (طباطبایی، ۵۶/۱؛ ابوالفتوح ۱۱۷/۱؛ کاشانی، ۹۸/۱؛ لاهیجی، ۱۵/۱؛ قرشی، ۵۳/۱؛ طیب، ۳۹۶/۱؛ طوسی، ۷۹/۱؛ سید مرتضی، ۹۰؛ صدوق، ۱۳).

### ۳- ادعا ← قرار گرفتن در معرض امتحان

ادّعا و دعوی یعنی ابراز داشتن چیزی یا تصور توان انجام کاری یا اظهار برخورداری از یک ویژگی یا صفتی خاص (راغب، ۱۷۰) و پی آمد آن واقع شدن در بوتهٔ امتحان است. اکنون نمونه‌هایی از ادعاهای طرح شده در قرآن و پی آمد آنها ذکر می‌شود:

#### الف - ادعای جنگیدن در راه خدا به شرط داشتن رهبری صالح

۱- ادعای قوم طالوت (بقره / ۲۴۶) مبنی بر آمادگی جنگیدن در راه خدا موجب شد که پیامبر ایشان شموئیل (ع) (فیض، ۲۰۶/۱) طالوت را به عنوان فرماندهی جنگ بر ایشان بگمارد. این گزینش از همان ابتدا با اعتراض آنها واقع شد؛ زیرا طالوت نسبی اصیل و خانواده‌ای کریم نداشت. اما استناد پیامبرشان به علم و تنومندی طالوت، راه اولین اعتراض را بست. به ویژه که باز گرداندن تابوت و صندوق عهد نیز به تثبیت موقعیت او کمک می‌کرد. به هر تقدیر طالوت زمام امور را به دست گرفت و زمینه برای امتحان بنی اسرائیل مهیا گشت. متأسفانه در همان امتحان ابتدایی طالوت، یعنی نوشیدن اندک از آب نهر، جمع زیادی از مدعیان مردود گشتند و تنها خود او و داود (ع) و عده‌ای قلیل این مرحله را با موفقیت پشت سر گذاشتند (برای اطلاع بیشتر نک: کاشفی، ۹۷/۱؛ مشهدی قمی، ۳۷۹/۲؛ جزایری، ۳۳۱-۳۳۰؛ فضل الله، ۲۱۴/۴؛ شیرازی، ۹۷/۲؛ صدوق، ۱۵۱؛ راوندی، ۳۴۸/۱).

۲- جمعی از یاوران رسول (ص) نیز در جنگ بدر مدعی مجاهدت شده، تمنای مرگ در راه خدا را می‌کردند (آل عمران / ۱۴۲) اما ایشان نیز متأسفانه در جنگ اُحد هنگام مواجهه با آن به شدت ترسیده، ثبات قدم نورزیدند (برای اطلاع بیشتر نک: فیض ۳۰۲/۱؛ ابن طاوس، ۱۰۰/۱؛ راوندی، ۳۵۳/۱).

ب - ادعای پرداخت صدقه و انفاق در صورت برخورداری از فضل الهی چه بسیار مدعیانی که می‌گفتند: «اگر خداوند ما را از فضلش بهره‌مند کند، ما نیز صدقه داده، چون صالحان عمل می‌کنیم» (توبه / ۷۵-۷۶)؛ اما صد افسوس که نهایت کار آنها به بخل و پیمان شکنی منجر شد؛ چنان که سرانجام مدعیان انفاق در راه خدا نیز به همین نتیجه منتهی شدند (محمد / ۳۸)؛ برای اطلاع بیشتر نک: استرآبادی، ۵۷۱؛ ابن ابی الحدید، ۶۰/۱۱).

#### ۴- عُجْب ← احساس عجز و ناتوانی

عُجْب یعنی احساس برتری و مُعْجَب یا خود پسند کسی است که به دلیل دارا بودن ویژگی‌هایی، خودبین و خودپسند شده، به خود می‌بالد (راغب، ۳۲۳)<sup>۱</sup>. عابدی که از کثرت عبادات خویش در شگفتی فرورفته و دانشمندی که از وسعت دانشش حیرت زده شده و ثروتمندی که به دلیل ثروتش از زندگی دنیوی خشنود گشته و فرد تنومندی که به زور بازوی خویش مغرور گردیده است... همگی گرفتار این بیماری رایج روحی هستند. از آن جا که لباس عزت و بزرگ منشی ویژه پروردگار و تنها برازنده اوست، از این رو نتیجه نهایی منازعه هر موجود نسبی با کمال مطلق در این امور یا به تعبیر دیگر پی آمد عُجْب و احساس برتری، چیزی جز احساس عجز و ناتوانی نیست (نهج البلاغه، خ ۱۹۲، ش ۵، ۶). نمونه‌هایی از این عمل و پی آمد آن در قرآن ذکر می‌شود:

۱- مسلمانان در جنگ حنین از کثرت لشکر خویش دچار عُجْب شدند (توبه / ۲۵) در حالی که بنا بر آیاتی که کثرت گرایی را مذمت می‌کنند، باید می‌دانستند عامل پیروزی ایمان است، نه کثرت. این احساس برتری موجب شد که در تنگنای عجیبی واقع شده، احساس عجز و ناتوانی کنند، و بیشتر، راه فرار در پیش گیرند (برای اطلاع بیشتر نک: مفید، ۵۷؛ شوشتری، ۳۱۰؛ راوندی، ۱۷۹/۱؛ اربلی، ۲۲۱/۱).

۲- قابیل پس از عدم پذیرش قربانیش (فیض، ۴۳۶/۱) در پیشگاه الهی، به زور بازوی خویش نازیده، در صدد قتل هابیل برآمد، اما سرانجام به ندامت و عجز دچار شد.

۳- برادران یوسف (ع) همواره به گروه ده نفری خود نازیده، خود را برتر می‌دیدند

۱. و نیز بنگرید: خلیل، ۲۳۵/۱؛ ابن منظور، ۵۸۰/۱، طریحی، ۱۱۶/۲.

(یوسف / ۱۴) و معتقد بودند به همین دلیل نباید پدرشان، یوسف (ع) و بنیامین را بر ایشان ترجیح دهد. این احساس در نهایت به جایی رسید که همگی محتاج یوسف (ع) شده (یوسف / ۵۸)، پذیرفتند اشتباه کرده و خداوند به درستی او را ترجیح داده و برگزیده است (یوسف / ۹۱). بنابراین همگی در برابر او تسلیم شدند (یوسف / ۱۰۰؛ نیز نک: حلی، ۱/۳۷۰؛ مکارم، ۷/۲۳۷).

#### ۵- ضعف نفس ← مصیبت و بلا

ضعف نفس به عنوان امری نسبی، مولود خلقت انسان (نساء / ۲۸) و به معنی عدم برخورداری از توانایی روحی و اراده‌ای قوی در مقابل وسوسه‌هاست و نفس ضعیف یادآور انسانی بی‌اراده است که به سهولت در مقابل گردباد تمایلات و شهوات سرخم کرده، تسلیم می‌شود. پی‌آمد وجود چنین حالتی<sup>۱</sup>، دچار شدن به مصیبت‌ها و بلاهاست. نمونه‌هایی از ضعف نفس و پی‌آمدهای آن در قرآن از این قرار است:

الف - در جنگ احد (فیض، ۱/۳۱۱) وقتی مسلمانان شکست خوردند، عده‌ای معترضانه گفتند: «ما مؤمنان چرا باید دچار این مصیبت بشویم». خداوند در پاسخ می‌فرماید: «این از ضعف نفس شماست» (آل عمران / ۱۶۵) اگر از فرمان رسول تبعیت کرده بودید و مال پرستی و جمع‌گنایم شما را به بازی نگرفته بود و... آن گاه دچار مصیبت و فاجعه شکست نمی‌شدید (راوندی، ۱/۱۴۷).

ب - وقتی موسی (ع) به قوم خود گفت: «داخل این سرزمین مقدس شوید» (مائده /

۱. تذکری برای رفع این شبهه که، حالات روانی انسان از قبیل عجب، حسد، تکبر و... چه ربطی به اعمال دارند در الفاظی که مربوط به حالات روانی انسان است، گاهی لفظ را به کار می‌برند به اعتبار خود آن حالت روانی، بلکه به اعتبار اثری که معمولاً در آن حالت روانی از انسان سر می‌زند. مثلاً مهربانی یا رحم که یک حالت روانی و احساسی در انسان است، گاهی این کلمه به کار برده می‌شود در مورد خود این احساس به عنوان یک حالت روانی و گاهی به کار می‌رود در جایی که اثر این کار بروز می‌کند؛ اعم از اینکه خودش وجود داشته یا نداشته باشد. مثلاً وقتی می‌گوییم: فلانی با فلان کس مهربانی کرد یعنی کاری که از نوع کار مهربانانه است انجام داد (مطهری، ۱۶۲). در بسیاری موارد دیگر در ارتباط با انسانها هم همین لغات (لغات حالات روانی) به کار برده می‌شوند ولی به اعتبار رفتاری که آن نوع رفتار معمولاً معلول آن حالت است (همو، ۱۶۳) و نیز برای مصون ماندن از یک اشتباه عمومی در مورد اخلاق و فعل اخلاقی (نک: همو، ۱۴۹).



(۲۱)، آنان ترسیده به بهانه جباریت قوم ساکن، از جنگ ابا و رزیدند و گفتند: تو و پروردگارت بروید به جنگ روید (مائده / ۲۴). این ضعف نفس، مصیبت سرگردانی (فیض، ۴۲۵/۱؛ طبرسی، ۲۸۰/۳) و گمراهی در بیابان را به دنبال آورد (برای اطلاع بیشتر نک: فضل الله، ۲۳۸/۶؛ شبر، ۲۷۸/۱؛ فیض، ۴۳۵/۱؛ ابوالفتوح، ۱۳۹/۵؛ عاملی، ۲۷۸/۱؛ مغنیه، ۱۹۷/۲؛ ابن طاوس؛ ۱۳۴، ابن ابی الحدید، ۱۹۲/۱۵؛ جزایری، ۲۶۶).

#### ۶- بخل ← محرومیت از سروری به هر نوع و در هر شکل

بُخل به معنی حرص و ولع در جمع آوری است و بخیل انسانی است بسیار طمعکار که به دلیل تنگ چشمی و پستی مُمسک گردیده است. گرچه کاربرد این واژه بیشتر در مورد جمع آوری مال و ثروت است اما این کاربرد زیاد دلیل بر اختصاص نیست و بخل، امور دیگر از جمله امور معنوی از قبیل دانش، محبت و... را نیز در بر می گیرد.

رشد تدریجی این صفت در انسان موجب می شود که شخص ابتدا نسبت به مال خود بخل ورزیده (راغب، ۳۸)، سپس در مراحل بالاتر در مورد اموال دیگران نیز دخالت نموده، امر به بخل نماید (نساء / ۳۸).

پی آمد این عمل، محرومیت از سروری و بزرگی به هر نوع و در هر شکل است (نساء / ۵۳؛ برای اطلاع بیشتر نک: طبرسی، ۹۴/۳؛ عیاشی، ۲۴۶/۱؛ بحرانی، ۹۲/۲). نمونه ای از این بخل در قرآن (محمد / ۳۸) پاسخ منفی عده ای از انسانها در مقابل دعوت به انفاق در راه خداست که منجر به محرومیت از سروری اجتماعی (همانجا)، زیان دیدن شخصی و مشمول قانون استبدال واقع شدن است. به ویژه که یکی از ویژگیهای مهم گروهی که جایگزین اقوام قبل خواهند شد سخاوتمندی و عدم بخل است. آنها که همان مستضعفان هستند، امامت و وراثت زمین را که سروری دینی است بر عهده خواهند گرفت (برای اطلاع بیشتر نک: فیض، ۵۷۲/۲؛ کلینی، ۲۰۵/۱؛ صفار، ۳۴؛ استرآبادی، ۱۳۵؛ تمیمی، ۲۰/۱؛ ابی ابی الحدید، ۶۰/۱).

#### ۷- حسد ← ایمان به جبت و طاغوت<sup>۱</sup>

حسد یعنی آرزوی داشتن چیزی که در اختیار دیگران است و نیز تمنای زوال نعمت

۱. جبت در اصل نام بتی است اما بعداً برای هر معبود غیر خدایی به کار رفته است و طاغوت بر شیطان اطلاق می شود و نیز بر هر معبود باطل (فیض، ۳۶۲/۱، نیز نک: ۹۳/۴، اشاره به دو بت قریش).

آنان (طبرسی، ۹۴/۴) و حسود یعنی آزمند و رشک بر. حسادت که نوعی بیماری روحی است، تمامی هم و غم حسود را مصروف مقایسه دارایی‌های دیگران با کاستی‌های خود کرده، همواره او را دچار بحران و اضطراب درونی می‌نماید و از نگاه دینی به او چهره فرد بدبینی را می‌دهد که از تقسیم نعمت‌ها توسط پروردگار عادل، ناراضی است. گرچه وجود این صفت در مراحل ابتدایی و سطحی آسیب زیادی نمی‌رساند، اما در مراحل بالاتر و پیچیده‌تر تأثیر مستقیم و بیرونی دارد که شاید چشم زدن یکی از آنها باشد و به همین دلیل این توان را دارد که ایمان و بنیان معنوی فرد را نابود کند. یکی از پی‌آمدهای حسد، ایمان به جبت و طاغوت است (نساء/ ۵۱).

۱-۱-۲- بررسی پی‌آمد اجتماعی اعمال ناشایست در دسته اول آیات

### ۱- پذیرش ناقص و مشروط کتاب ← خواری و خفت

ایمان به معنی پذیرش و تسلیم در برابر حق (راغب، ۲۶) و مؤمن حقیقی کسی است که نه تنها در برابر همه دستورات و فرامین صادره از ناحیه رسول (ص) در ظاهر بی‌قید و شرط تسلیم باشد، بلکه در درون و نفس خویش نیز پس از صدور حکم احساس دشواری و قرار گرفتن در تنگنا نداشته باشد (نساء/ ۶۵). از آن جا که ایمان مفهومی نسبی و دارای مراتب است (کلینی، ۶۵/۳) یعنی نقصان، کمال، شدت و ضعف دارد (توبه/ ۱۲۴، انفال/ ۲)، از این رو مؤمنان با توجه به انجام همه یا بعضی از اوامر و دستورات الهی که در کتاب آمده است و توسط اولیای الهی بیان می‌شود، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - مؤمن کامل و حقیقی که نسبت به انجام و اجرای تمامی دستورات و فرامین الهی متعهد است.

ب - مؤمن ناقص و ضعیف که به بخشی از دستورات خدا و رسول (ص) گردن نهاده، از انجام بخشی دیگر به هر دلیلی سرباز می‌زند (بقره/ ۸۵).

پی‌آمد ایمان دسته اول، برتری و علو مطلق نسبت به غیر مؤمنان در اجتماع است (آل عمران/ ۱۳۹) زیرا در قاموس قوانین الهی برتری ایمان بر کفر امری حتمی است (نساء/ ۱۴۱).

پی آمد ایمان دسته دوم که ایمانی ناقص و مبتنی بر پذیرش بخشی از دستورات و فرامین کتاب الهی و نپذیرفتن بخشی دیگر از آن می باشد (بقره / ۸۵) پستی، خواری، ننگ و رسوایی در زندگی دنیوی است. زیرا در نبرد کفر و ایمان در اجتماع، کسانی به درجات بالا می رسند که یکپارچه کافر یا یکدست مؤمن باشند و سرنوشت دارندگان ایمان ناقص چیزی نیست جز زیر دست واقع شدن.

بنی اسرائیل نمونه ای از این دسته انسانها هستند. زیرا اگر چه پیمانهای غلیظ و شدیدی از جمله عدم خونریزی و تبعید و... بسته بودند، اما در عمل نسبت به بخشی از آنها پیمان شکنی کرده و مرتکب حرام شده، به قتل و تبعید یکدیگر اقدام کردند (نساء / ۸۶). پی آمد این عمل، خواری و رسوایی بنی اسرائیل در زندگانی شد (اسراء / ۵، برای اطلاع بیشتر نک: طوسی، ۳۳۱/۱؛ کرمی، ۱۰۲/۱؛ کلینی، ۳۸۹/۲ و ۲۹/۸؛ حرعاملی، ۳۲/۱؛ نوری، ۷۶/۱؛ حرانی، ۴۶۲؛ شهید ثانی، ۱۵۳).

#### ۲-۱- بررسی پی آمد اعمال شایسته (فردی و اجتماعی) در دسته اول آیات

از توضیح پیرامون این عنوان به دلیل اختصاص حجم محدود به این مقاله صرف نظر می شود علاقمندان به آگاهی از مطلب می توانند به اصل طرح مراجعه نمایند.

### ۲- بررسی پی آمد اعمال در دسته دوم آیات

#### ۲-۱- طرح بحث

قبل از این گفته شد که کاربرد نظریه عمل و عکس العمل، آیات قرآن را به دو دسته متمایز تقسیم می کند. اینک توضیح بخشی دیگر از این روابط را در دسته دوم آیات به نظاره می نشینیم. آیاتی که گرچه پی آمد اعمال در آنها به صورت مستقیم و صریح عرضه و بیان نشده است، اما به صورت استقرایی و موضوعی می توان روابط مورد نظر را از آنها استخراج کرد.

#### ۲-۲- روش کار

بدین منظور محور کار را بر بخشی عمده از این دسته آیات یعنی آیاتی که محتوا و مضمون آنها شرح زندگانی انبیاء می باشد، متمرکز کرده، کار را از این ناحیه شروع

می‌کنیم زیرا جز در مورد یوسف (ع)، مسائل مربوط به انبیاء در آیات و سوره‌ها به طور پراکنده عرضه شده از این رو دستیابی بدان محتاج استقصا و بررسی موضوعی است. به علاوه اینکه انبیاء (ع) اولاً: به دلیل حضور در دایره عصمت بر دیگر انسانها برتری و تفضیل معنوی دارند (انعام / ۶۸) و ثانیاً: در درون دایره نبوت نیز با توجه به دوری یا نزدیکی از مرکز، بعضی بر بعضی دیگر برتری و تفاضل دارند (بقره / ۲۵۳) از این رو، این برتری نسبت به انسانهای معمولی و یکدیگر نیز با توجه به قاعده عقلی بطلان ترجیح بلا مرجح باید توجیهی در خور یافته، تبیین شود که معلول و مولود چیست؟

### ۲-۳- نحوه سازماندهی مطالب

خوشبختانه جدا سازی صفوف انبیا، در معارف دینی با عناوین متمایز نبی و رسول (ص) و اولوالعزم و... قسمتی از مشکل سازماندهی این بخش را که ضمناً نیم نگاهی به سیر تاریخی مطلب نیز دارد، حل می‌کند. از این رو ابتدا با بررسی زندگانی انبیای الوالعزم و سپس غیر اولوالعزم از زاویه عمل و عکس العمل، بحث اصلی را پی می‌گیریم. ضمن اینکه این بررسی‌ها را در سه مرحله به اجرا می‌گذاریم: در مرحله اول به طور جداگانه زندگی هر پیامبری فقط از زاویه اعمالی که انجام داده و صفاتی که بدان تثبیت بخشیده زیر ذره بین قرار می‌گیرد و در مرحله دوم به طور مجزای آمد اعمال او یا امتیازات اکتسابی وی استقصا و آمار می‌شود و در آخرین مرحله، رابطه ثابت بین بعضی از اعمال وی و پی آمد آنها از طریق انتخاب و گزینش نقطه‌های اوج یا فرود تبیین می‌شود.

### ۱- ابراهیم (ع)

#### الف - بررسی زندگی ابراهیم (ع) از زاویه اعمال یا صفات

در قرآن این اعمال و صفات برای ابراهیم (ع) ذکر شده است: راکع، ساجد، عابد، نیکوکار، مجاهد، میانه رو و متعادل، نمازگزار، زکات پرداز، معتصم به پروردگار، مسلمان حقیقی، تسلیم کامل در برابر حق، پرستشگر خدای واحد، غیر مشرک، حنیف، اهل محاجه با مشرکان، اهل نبرد با بت پرستان، مخالف با شخصیت‌گرایی و آباء پرستی، براءت‌جو از مشرکین، بی‌باک و نترس، اهل استغفار و بخشش طلب، اوّاه، حلیم، میهمان

نواز، منیب، شکرگزار، جلودار، مطیع، دلدادۀ حق، راستگو و صدیق، انزوا طلب، متقی، طالب روزی حلال، معتقد به معاد، وفادار تمام عیار به عهد و میثاق و...

ب - بررسی زندگی ابراهیم (ع) از زاویه پی آمد اعمال یا امتیازات اکتسابی در قرآن از ابراهیم (ع) با این امتیازات یاد شده است: امام، بنیانگزار و سرپرست امور حج، برگزیده و هدایت شده، منتخب، صاحب کتاب، حکیم، عالم لدنی، ملک و پادشاه، واصل به مقام رؤیت ملکوت، مهبط وحی، برخوردار از فضل الهی، خلیل، موقن، صاحب حجت، برتر، صاحب ذریۀ محسن، صالح، اهل بشارت، امیدوار، مجلای رحمت و برکت الهی، گواه، شاهد، دارنده قلب سلیم، مأجور در دنیا، مخلص<sup>۱</sup> و...

او در کسب این امتیازات به اندازه‌ای موفق است و روش منتخب او به قدری پسندیده است که خداوند پیامبر اسلام (ص) و مؤمنان را به پیروی از روش او دعوت می‌کند (آل عمران / ۹۵؛ نحل / ۱۲۰) و یوسف (ع) نیز افتخار دارد که متابع اوست (یوسف / ۶).

ج - بررسی نقاط اوج زندگی ابراهیم (ع) با تبیین رابطه ثابت عمل و عکس العمل نقطه اوج اول: سرد شدن آتش و نجات

یکی از حوادث با اهمیت در زندگی ابراهیم (ع) سرد شدن آتش به امر الهی و نسوزاندن و نسوختن وی است (انبیاء / ۶۹). این واقعه به عنوان پی آمدی مهم، محتاج تبیین عمل است؛ سؤالی اساسی که پاسخی در خور می‌طلبد این است که ابراهیم (ع) چه عمل یا اعمالی دارد که باعث نجات معجزه آسای او و تسلط قانون امر بر خلق می‌گردد؟ با توجه به آنچه در بخش اول در این باره به طور کل عرضه شد، از میان اعمال وی در این ارتباط به طور مشخص دو عمل «یاری کردن پرورگار» و «توکل»، در این نجات سهم ویژه‌ای دارند.

قبلاً گفته شد که با توجه به قوانین کلی الهی پی آمد یاری حق، نصرت متقابل پروردگار است (حج / ۴۰). اینک ابراهیم (ع) نیز به شهادت قرآن (انبیاء / ۵۰) و روایات (از جمله فیض، ۹۵/۲) یک یاور بی‌باک و یک حامی وفادار حق است؛ از این رو طبق

---

۱. تکرار بعضی از عناوین با شماره قبل به دلیل وجود نسبیت در عمل و عکس العمل است یعنی هر عکس العملی خود بعداً در مرحله ثانوی، عمل محسوب می‌شود ضمن اینکه آن چه فرد حایز آن است با توجه به پروردگار، موهوبی و با توجه به خود فرد، اکتسابی لحاظ می‌شود.



قانون یاری متقابل پروردگار، در آن لحظه حساس، نجات معجزه آسای او رقم خورده، تسلط قوانین عالم امر بر خلق به اثبات می‌رسد.

عامل مؤثر دوم در نجات وی، توکل اوست که پی آمد آن کارگزاری و رضایت است. در این باره خداوند می‌فرماید: «او چون بر ما توکل کرد، ما نیز صمیمانه از او دفاع کردیم و چون قدرتمند و برتریم، کید و دشمنی آنان کارساز نبوده، او را نجات دادیم» (انبیاء/۷۰).

قابل ذکر است گرچه سرد شدن آتش بر ابراهیم به امر الهی در قرآن فقط برای او ذکر شده، اما این نحوه نجات اختصاصی او نیست. زیرا قانون پروردگار در همه موارد و برای همه مشابه است؛ هر چند در تاریخ فقط به یک مصداق اشاره شده باشد. چنان که در جریان نجات یونس خداوند ابتدا مصداق را عرضه کرده، می‌فرماید: «ما یونس را از ناراحتی نجات دادیم» (انبیاء/۸۸) سپس قانون کلی را بیان کرده، می‌فرماید: «و این چنین تمامی مؤمنان را نجات می‌بخشیم» (برای اطلاع بیشتر نک: عاملی، ۲۳۱/۶؛ مکارم، ۱۱۲/۱۴؛ طیب، ۳۰۷/۹؛ قمی مشهدی، ۱۰۳/۹؛ گنابادی، ۷۸/۳؛ شیرازی، ۱۱۴/۱۷؛ فضل الله، ۸۵/۱۶؛ کلینی، ۳۳۷/۸؛ طوسی، ۱۲۹/۶؛ حرعاملی، ۳۶/۱۵؛ راوندی، ۴۴/۱).

**نقطه اوج دوم: مژده برخورداری از نسلی پاک و فرزندان نیکونام**

دومین نکته مهم زندگانی ابراهیم (ع) مژده فرزندان دار شدن در پیری است (هود/۶۹؛ صافات/۱۰۰) فرزندی عالم (حجر/۵۱؛ عنکبوت/۲۴؛ ذاریات/۲۴) که خود آغازگر نسلی پاک و صالح و... می‌باشد (حدید/۲۶).

این مژده در میهمانی ابراهیم (ع) (حجر/۵۱) توسط رسولان الهی به او و همسرش داده می‌شود و آن چنان باور نکردنی است که زن او در حالی که ایستاده، می‌خندد و می‌گوید: سخن عجیبی است، فرزندی برای ما که زنی نازا و شوهری پیر هستیم (هود/۶۹) و وقتی درمی‌یابد که سخن به جد می‌رود، بر گونه خویش نواخته تکرار می‌کند: «آخر من نازا و پیرم، این چگونه ممکن است؟» (ذاریات/۲۴) ضمن اینکه خود ابراهیم (ع) نیز به دلیل فرتوتی متعجب شده است (حجر/۵۱). اما اشاره رسولان الهی به نزول رحمت و برکات الهی و تعلق امر پروردگار که مبتنی بر حکمت و علم الهی است، به

آنان می‌باوراند که اتفاق رخ خواهد داد. اینک سؤال اساسی این است که: ابراهیم و همسرش چه عملی داشته‌اند که از چنین پی‌آمدی برخوردار شده‌اند؟

از دید قرآن به عنوان قانونی کلی، کناره‌گیری از قوم کافر و عزلت‌گزینی - البته نه به معنی مذموم آن - و سعی در برقراری رابطه خالصانه با پروردگار در برهه‌ای از زندگانی، زمینه ساز برخورداری از نسلی پاک و ذریه‌ای مطهر است. ابراهیم (ع) و همسرش نیز مجریان این عمل هستند. او پس از امر به معروف و نهی از منکر فراوان و حتی درگیری با قوم کافر و مواجهه با تهدید شدید آنان، به کناره‌گیری روی آورده، می‌گوید: «من از شما و بتهایی که به عنوان خدا می‌خوانید بیزارم و دوری می‌جویم» (مریم / ۴۰). پی‌آمد این عمل برای وی به عنوان یک مصداق، مژده برخورداری از فرزندان نیکونام و نسلی برومند و پیامبرانی بزرگ چون اسحاق و اسماعیل و یعقوب (ع) و... است (برای اطلاع بیشتر نک: طباطبایی، ۱۹/۱۲، ۶۳/۱۴، ۴۱۰/۱۸، ۳۳۵/۱۰، کاشفی، ۱۸/۳؛ مکارم، ۸۶/۱۳؛ فتح الله، ۴۳۰/۵؛ علوی، ۳۴۸/۲؛ بحرانی، ۱۲/۴؛ حائری، ۳۶/۷؛ شیرازی، ۵۷/۱۶؛ کرمی، ۲۹۱/۵؛ استرآبادی، ۲۹۶؛ صدوق، ۱۳۹/۱). در همین راستا تذکر این نکته ضروری است که مریم (ع) نیز یکی دیگر از خلوت‌نشینان دیرالهی است که از مردم کناره‌گیری کرده، به تنهایی مستغرق در عبادت می‌شود، به نحوی که زکریا (ع) را نیز از کرامات خود شگفت‌زده می‌کند (مریم / ۱۷). پی‌آمد این عزلت‌نشینی برخورداری از فرزندی پاک سیرت چون عیسی (ع) است (همانجا).

## ۲- یوسف (ع)

### الف - بررسی زندگانی یوسف (ع) از زاویه اعمال

در قرآن این اعمال و صفات برای یوسف (ع) ذکر شده است: «پرهیز از انجام فحشا، عابد، کناره‌گیری از قوم بی‌ایمان، متابع روش ابراهیم (ع)، شاکر، اهل دعا، محسن، ساعی در ارشاد و راهنمایی دیگران حتی در زندان، اهل مبارزه با بت پرستی، دلسوز، مدیر، مدبر، خویشان‌دار، مسلط بر نفس، جوانمرد، بخشنده، متقی و...».

## ب - بررسی امتیازات یوسف (ع)

در قرآن این ویژگیها برای وی ذکر شده است: هدایت شده، صالح، برگزیده، مجتبی، محسود، معبر رؤیا، مهبط وحی، حکیم، عالم و برخوردار از فضل الهی.

## ج - بررسی نقطه فرود در زندگانی وی

یوسف (ع) به درخواست خود جهت مصونیت از جریاناتی که بین او و زن عزیز مصر و نیز زنان دیگر مصری می گذشت زندانی شد (یوسف / ۳۳). پس از تعبیر خواب هم سلولی ها بنابر روایات (فیض، ۱/ ۸۳۴) مجبور می شود هفت سال بیشتر در زندان باقی بماند (یوسف / ۴۳). این توقف بیشتر در زندان پی آمد کدام عمل اوست؟ گرچه - چنان که گفته شد - زندگانی یوسف (ع) سرشار از موفقیتهاست، اما یک ترک اولی در زندگی او وجود دارد؛ استعانت و کمک خواستن بی جا و با واسطه از قدرت اجتماعی فرعون آن عهد. او وقتی خوابهای هم بندها را تعبیر می کند، به ساقی فرعون متوسل شده، در خواست می کند تا شرح مظلومیتش را به درگاه بزرگ مصر عرضه کند تا بدین وسیله از زندان رهایی یابد. پی آمد عمل وی و انجام این ترک اولی، ماندن بیشتر او در زندان است.

## ۳- یونس (ع)

## الف - بررسی زندگانی یونس (ع) از زاویه اعمال :

یک - اعمال مثبت: خواندن پرودگار در حال پریشانی و غم (قلم / ۴۸)، اعتراف به وحدانیت الهی و ظلم بر نفس (انبیاء / ۸۷)، سرزنش نفس و تسبیح گویی (صافات / ۱۳۹).

دو - ترک اولی: کم صبری (قلم / ۴۸)، خشمگین شدن و رفتن از میان قوم بدون اذن پرودگار (انبیاء / ۸۷).

## ب - بررسی زندگانی وی از زوایه امتیازات اکتسابی

مجتبی و مرسل و برگزیده (صافات / ۱۳۹)، برخوردار از نعمت الهی (قلم / ۴۸)، صالح، مستجاب الدعوه (انبیاء / ۸۷)، مؤمن، برتر (انعام / ۸۶) و...

### ج - بررسی نقاط اوج یا فرود

یک - نقطه فرود: زندانی شدن در شکم ماهی

چرا یونس(ع) در شکم ماهی زندانی شد؟ شاید علت اصلی زندانی شدن او ترک اولی باشد، زیرا وی به عنوان نبی مأمور به صبر بود (قلم / ۴۸) و باید بر غضب و خشم خویش مسلط می شد اما بدون اذن پروردگار از تحمل مشکلات تربیت قوم سرباز زد و آنها را ترک کرد (انبیاء / ۸۷)؛ در حالی که فکر نمی کرد خداوند نیز بدین خاطر ممکن است او را معاقبه کند.

دو - نقطه اوج: نجات از مشکل و مصیبت

دوران حبس وی دیری نمی پاید و او از زندان متحرک آزاد می شود. این آزادی مرهون کدام عمل اوست؟ در این مورد تسبیح و ستایش پروردگار به علاوه اعتراف به ظلم بر خویشتن (انبیاء / ۸۷) عناصر اصلی نجات اوست. خداوند در این باره می فرماید: «اگر در زمره تسبیح‌گویان نبود، تا روز بعثت در شکم ماهی باقی می ماند» (صافات / ۱۳۹). چنانکه گفته شد این گونه رهایی از مشکلات اختصاص به وی ندارد. زیرا قرآن پس از ذکر جریان یونس(ع) به عنوان مصداق به قانون کلی نیز اشاره کرده، می فرماید: «و ما تمامی مؤمنان را این گونه نجات می بخشیم» (انبیاء / ۸۷، برای اطلاع بیشتر نک: طباطبایی، ۳/۱۰، ۱۷۰/۱۷، ۳۸۷/۱۹، ۴۸/۲۰؛ با برداشتی دیگر. فیض، ۱۰۲/۲ با توضیحی از امام رضا (ع) در این باره، ابوالفتوح، ۲۷۰/۱۳؛ کاشفی، ۱۳۱/۳؛ فتح الله، ۱۰۷/۶؛ شاه عبدالعظیمی، ۴۳۰/۸؛ عاملی، ۱۷۶/۶؛ نقل نظرات، زمخشری، بروسوی، ثعلبی و فخر رازی، گنابادی، ۵۸/۳۰؛ عدم تغایر با عصمت انبیاء؛ سید بن طاوس، فرج المهموم، ۱۱۹؛ فلاح السائل، ۱۹۳۷؛ راوندی، ۲۱۱؛ حلی، ۱۱۰).

### نتیجه گیری

با تکیه بر روابط ثابت بین اعمال شایسته و پی آمدهای آنها و بدون استفاده از هیچ نکته ذهنی دیگری، می توان این فرضیه را قانون لحاظ کرده، در دیگر تحقیقات قرآنی از آن به عنوان اصلی موضوع و به اثبات رسیده بهره مند شد.

با فراهم شدن این قانون از یک طرف ذهن انسان خرسند می شود زیرا کنجکاویش به

ثمر نشسته است و از طرف دیگر فعالیتهای بعدی او با برنامه ریزی صحیح رشد می یابد زیرا توان پیش بینی پی آمد دنیوی اعمال را در اختیار دارد و نیز به صورت صحیح و روشن می فهمد که تبعات چنین عملکردهایی چه خواهد بود و این یعنی اختصاص سهمی بزرگ به این قانون در تصحیح انگیزه ها و تعدیل امیال.

### کتابشناسی

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، قم، ۱۴۰۴ق.  
 ابن طاوس، الاقبال بالاعمال الحسنة، تهران، ۱۳۶۷.  
 ابوالفتوح رازی، حسین بن علی محمد، تفسیر ابوالفتوح، مشهد، ۱۳۷۴.  
 اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، تبریز، ۱۳۸۱ق.  
 استرآبادی، علی حسینی، تأویل الآیات الظاهرة، قم، ۱۴۰۹ق.  
 بحرانی، سید هاشم، البرهان، تهران، ۱۴۱۵ق.  
 تمیمی، نعمان، دعائم الاسلام، مصر، ۱۳۸۵ق.  
 جزائری، نعمت الله، قصص الانبیاء والمرسلین، قم، ۱۴۰۴ق.  
 حرّ عاملی، وسایل الشیعة، قم، ۱۴۰۹ق.  
 حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم، ۱۴۰۴ق.  
 حلبی، ابوالصلاح، تقریب المعارف، قم، ۱۴۰۴ق.  
 حلی، علامه، نهج الحق و کشف الصدق، قم، ۱۴۰۷ق.  
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، تهران، ۱۴۰۴ق.  
 راوندی، سید فضل الله، النوادر، قم، ۱۳۷۰ق.  
 سید مرتضی، تنزیه الانبیاء والائمة، قم، ۱۲۵۰ق.  
 شاله، فیلیسین، شناخت روش علوم، یحیی مهدوی، تهران، ۱۳۲۳.  
 شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران، ۱۳۶۴.  
 شبیر، عبدالله، تفسیر شبیر، حاشیة سواطع الالهام، ۱۹۹۶.  
 شعبانی، حسن، مهارتهای آموزشی و پرورشی، تهران، ۱۳۷۱.  
 شوشتری، نورالله، الصوارم المهرقة، تهران، ۱۳۶۷.



- شهید ثانی، کشف الریبه عن احکام الغیبه، بی جا، مرتضوی، ۱۳۹۰ق.
- شیرازی، محمد حسین، تقریب القرآن الی الاذهان، بیروت، ۱۴۰۰ق.
- صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم، ۱۴۰۳ق.
- صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، قم، ۱۴۰۴ق.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، قم، ۱۳۷۲ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، ۱۳۷۲ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان، قم، ۱۴۰۹ق.
- طیب، عبدالحسین، اطیب البیان، تهران، ۱۳۶۶.
- عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، مشهد و تهران، ۱۳۶۳.
- عسکری، امام حسن (ع)، التفسیر المنسوب الی الامام العسکری (ع)، قم، ۱۴۰۹ق.
- علوی حسینی، محمد کریم، کشف الحقایق، تهران، ۱۳۹۶ق.
- عیاشی، محمد، تفسیر عیاشی، تهران، الاسلامیه، بی تا.
- فتونی، ابوالحسن، مقدمه تفسیر مرآة الانوار، تهران، ۱۳۷۴ق.
- فرات، ابوالقاسم، تفسیر فرات، تهران، ۱۴۱۰ق.
- فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- فیض، ملامحسن، الصافی، تهران، ۱۳۵۶.
- قرشی، علی اکبر، احسن الحدیث، تهران، ۱۳۶۶.
- کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین، تهران، ۱۳۴۴.
- کاشفی، حسین واعظ، مواهب علیه، تهران، ۱۳۱۷.
- کرمی، محمد، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم، ۱۴۰۳ق.
- کلانتری، الیاس، دلیل المیزان، تهران، ۱۳۶۳.
- کلینی، محمد، الکافی، تهران، ۱۳۶۵.
- گنابادی، محمد، بیان السعادة فی مقامات العبادة، تهران، ۱۳۴۴.
- لاهیجی، شریف، تفسیر لاهیجی، تهران، ۱۳۶۳.
- مشهدی قمی، محمد، کنزالدقائق و بحر الغرائب، تهران، ۱۳۶۶.
- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، صدرا، ۱۳۷۴.

- مغنيه، محمد جواد، الكاشف، بيروت، ١٩٨١.
- مفيد، محمد بن محمد، الافصاح فى الامامة، قم، ١٤١٤ق.
- مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، تهران، ١٣٦٦.
- نعمانى، محمد بن ابراهيم، كتاب الغيبة، تهران، ١٣٩٧ق.
- نورى، حسين، مستدرک الوسائل، قم، ١٤٠٨ق.